



رابطه سواد اطلاعاتی با عملکرد شغلی، آموزشی و پژوهشی معلمان مقطع متوسطه آموزش و پرورش شهرستان محمودآباد در دوران همه گیری ایپدمی کووید-۱۹

شهرزاد هدایتی

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تعیین رابطه سواد اطلاعاتی با عملکرد شغلی، آموزشی و پژوهشی معلمان متوسطه در دوران همه گیری ایپدمی کووید-۱۹، انجام شد. این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی؛ از نظر ماهیت، توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه معلمان مقطع متوسطه دوم آموزش و پرورش شهرستان محمودآباد در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ به تعداد ۴۴۸ نفر بود که به روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای بر حسب جنسیت تعداد ۲۱۰ نفر (۱۲۰ نفر مرد و ۹۰ نفر زن) به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. ابزار اندازه گیری، پرسشنامه های استاندارد سواد اطلاعاتی داورپناه و سیامک (۱۳۸۸) و محقق ساخته عملکرد شغلی، آموزشی و پژوهشی بود که روایی صوری و محتوایی آن با نظر متخصصان تایید گردید. از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ، پایایی هر یک از پرسشنامه ها به ترتیب برابر ۰/۸۳ و ۰/۸۹ محاسبه شد. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و در سطح اطمینان ۹۵ درصد ($\alpha=0/05$) انجام گرفت. یافته ها نشان داد رابطه مثبت معنی دار بین سواد اطلاعاتی با عملکرد شغلی، آموزشی و پژوهشی معلمان مقطع متوسطه دوم آموزش و پرورش شهرستان محمودآباد در دوران همه گیری ایپدمی کووید-۱۹ وجود دارد.

واژگان کلیدی: سواد اطلاعاتی، عملکرد شغلی، عملکرد آموزشی و عملکرد پژوهشی.

مقدمه

پیشرفت تکنولوژی در سده ۲۱ شیوه‌های نوینی را برای انجام فعالیت‌های رسمی کارها و فعالیت‌های روزانه پدید آورده است. یکی از این پیشرفت‌ها، رسانه دیجیتال است. این پیشرفت، همه جنبه‌های چگونه کار کردن را تغییر داده است، از چاپی به بدون کاغذ، از کتاب به تبلت و از تعامل فیزیکی به مشارکت مجازی. این جهان نوین پویا نیازمند مهارت‌های ارتباطی و قوه ادراک و نیز کدهای رفتاری جدید است (حسینی و همکاران، ۱۳۹۹). در جامعه‌ای که تحولات تکنولوژیکی باعث به وجود آمدن موجی از تمدن جدید شده است، برای بقا و حضور در عرصه تحول، باید با جریان جابجایی قدرت علمی و اطلاعاتی همراه شد و آن را پذیرفت. از این رو، ارتقا سطح سواد جزء یکی از مهمترین اهداف فرهنگی کشورهای دنیا است، تا از این طریق توانایی‌های بالقوه نیروی انسانی جامعه خویش را افزایش دهند (طیب نیا، ۱۳۸۷). توانایی دستیابی، بازیابی و ارزیابی (تجزیه و تحلیل) اطلاعات به‌عنوان عامل برجسته سواد اطلاعاتی^۱ به‌شمار می‌آید. بر این اساس، سواد اطلاعاتی را نه فقط توانایی و استعداد شناسایی اطلاعات می‌گویند، بلکه توانایی ارزیابی اطلاعاتی و استفاده کارآمد از آن تعریف می‌کنند (پریخ، ۱۳۹۲). وبر^۲ (۲۰۰۲)؛ به نقل از منتظر و همکاران، ۱۳۸۶)، سواد اطلاعاتی را انتخاب رفتار اطلاعاتی مناسب، برای دستیابی به اطلاعات مورد نیاز از طریق هر روش یا رسانه ممکن و با آگاهی لازم در خصوص اهمیت استفاده خردمندانه و صحیح از اطلاعات تعریف کرده است. بنابراین، سواد اطلاعاتی، توانایی افراد برای فعالیت مؤثر در یک جامعه اطلاعاتی است. این امر مستلزم برخورداری از تفکر انتقادی، آگاهی از اخلاق شخصی و حرفه‌ای، ارزیابی اطلاعات، نیازهای اطلاعاتی متصور، اطلاعات سازماندهی شده، ارتباط متقابل با اطلاعات شغلی و ایجاد کاربرد مؤثر اطلاعات در حل مشکلات، تصمیم‌گیری و تحقیق است (منتظر و همکاران، ۱۳۸۶). به عبارتی دیگر، سواد اطلاعاتی، مجموعه مهارت‌های لازم برای جستجو، بازیابی و استفاده مؤثر از منابع اطلاعاتی مختلف است به طوری که با برخورداری از این مهارت‌ها می‌توان نیاز اطلاعاتی خود را به درستی تشخیص داده، منابع لازم برای رفع این نیاز را شناسایی و با تدوین راهبردهای مناسب، در منابع مختلف به جستجو، شناسایی و گزینش اطلاعات پرداخت (منصوریان، ۱۳۸۷). گرچه سواد اطلاعاتی ترکیبی از دو کلمه متداول اطلاعات و سواد است، اطلاعات که بیشتر مردم آن را مترادف، اخبار یا داده‌های قابل تغییر و تفسیر از آن می‌دانند و سواد که عموماً به توانایی خواندن و در موارد خاص، توانایی فهمیدن یا تفسیری دقیق از یک موضوع اطلاق می‌شود، با این حال، سواد اطلاعاتی توانایی تشخیص زمان نیاز به اطلاعات، یافتن اطلاعات مورد نیاز و ارزیابی و به کارگیری مؤثر اطلاعات تعریف شده است. این تعریف نشان می‌دهد که در عصر حاضر با گسترش علم اطلاع‌رسانی و فناوری اطلاعات، روش‌های تشخیص سواد دشوار تر شده است. در عصر انفجار و آلودگی اطلاعات، توانایی دستیابی، بازیابی و ارزیابی اطلاعات عامل تشخیص سواد به‌شمار می‌رود که داشتن این توانایی به سواد اطلاعاتی تعبیر می‌شود. در واقع، سواد اطلاعاتی مجموعه‌ای از قابلیت‌ها است که افراد را به شناخت اطلاعات، زمانی که مورد نیاز باشد، ملزم می‌کند. به بیان دیگر، سواد اطلاعاتی داشتن توانایی‌های دقیقی، ارزیابی و استفاده کارآمد از اطلاعات مورد نیاز است. به این معنا که شخص باید هم در زمینه محمل‌های چاپی و هم محمل‌های الکترونیکی با سواد باشد. به طوری که در عصر جدید با تغییر سریع فناوری و منابع اطلاعاتی اهمیت سواد اطلاعاتی نیز بیش از پیش در حال افزایش است (خالقی و سیامک، ۱۳۸۹). به علت پیچیدگی روز افزون این دوران، افراد با انتخاب‌های متنوع و انبوه اطلاعات در مطالعات دانشگاهی، در محیط کار و در زندگی شخصی رو به رو هستند. اطلاعات از طریق کتابخانه‌ها، منابع موجود در جامعه، سازمان‌های مختلف، انواع رسانه‌ها و اینترنت قابل دسترسی است و به صورت تصفیه نشده به فرد می‌رسد، در حالی که اعتبار و صحت بسیاری از آن‌ها قابل تردید است. به علاوه، اطلاعات از طریق رسانه‌های جمعی نظیر رسانه‌های گرافیکی، دیداری و شنیداری و متنی و شبکه‌ای قابل دسترسی است و این‌ها چالش‌های

1. Information Literacy

2. Webber

جدیدی را برای افراد در ارزیابی و درک اطلاعات به وجود آورده است. با این حال، سواد اطلاعاتی به معنای توانایی خواندن و چگونگی استفاده از محمل های اطلاعاتی نیست. سواد اطلاعاتی به معنای اعتلای سطح آگاهی افراد و نهادها در روبرویی با پدیده انفجار اطلاعات است که از طریق آگاهی از چگونگی به کارگیری نظام های ماشینی برای شناسایی، کنترل، دستیابی به اطلاعات و اسناد، به منظور مشکل گشایی و تصمیم گیری به دست می آید. باید توجه داشت که سواد اطلاعاتی وابسته به مهارت های فناوری اطلاعات است، اما کاربردهای گسترده تری برای افراد، نظام آموزشی و جامعه دارد. مهارت های فناوری فرد را قادر می سازد که از رایانه، بسته های نرم افزاری، پایگاه های اطلاعاتی و فناوری های دیگر برای رسیدن به اهداف متنوع دانشگاهی، کاری یا فردی استفاده کند (پریخ، ۱۳۹۲). سواد اطلاعاتی در حالی که هم پوشانی بسیار زیادی با مهارت های فناوری اطلاعات دارد، اما محدوده گسترده و متمایزی از آن قابلیت ها است و مؤلفه ای کلیدی و دخالت کننده در یادگیری مستمر به شمار می آید. مهارت های فناوری اطلاعات به هم پیوسته است و از سواد اطلاعاتی پشتیبانی می کند. سواد اطلاعاتی، اساس یادگیری مداوم را تشکیل می دهد که برای همه محیط های یادگیری و برای همه سطوح آموزشی مشترک است. سواد اطلاعاتی، یادگیرندگان را به تسلط بر مفاهیم، گسترش و توسعه جست و جو ها، کند و کاوها و پژوهش ها، خود محور شدن در یادگیری و کنترل یادگیری قادر می سازد. سواد اطلاعاتی شخصی را خلاق و تفکر انتقادی را در او پرورش می دهد و شخص را به شناخت درست شرایط و محیط جدید، ارزیابی مسائل، تصمیم گیری بهینه و اقدام مفید توانا می سازد و تفکر انتقادی شخصی را به داوری و قضاوت درست راهنمایی می کند (رضایی، ۱۳۹۳). با این توصیف، ضعف سواد اطلاعاتی و عدم دانش و آگاهی کافی از روش های کار با کامپیوتر، اینترنت، مرورگرها، پیام های الکترونیکی، بدافزارها، ویروس ها و غیره، کارکنان را با فرصت ها و چالش هایی روبه رو ساخته است که برای برطرف کردن آن ها و استفاده از فرصت ها باید مهارت های سواد اطلاعاتی داشته باشند. این مهارت ها به آنان کمک می کند تا فعال و خود راهبر شوند. به این ترتیب، رضایت از فرآیند کاری، احساس شایستگی، کارآمدی و کاردانی، به افزایش تعهد سازمانی در آنان می انجامد (پریخ، ۱۳۹۲). از این رو، کسب سواد اطلاعاتی از جمله لوازم زیست در جهان کنونی است، زیرا تنوع مطالب و حجم اطلاعات، مانع از این است که جواب همه مسائل را اختیار داشت. کسب سواد اطلاعاتی در حکم مهارت جستجو، شناسایی، جمع آوری، طبقه بندی، ترکیب و تفسیر اطلاعات، به دو پیش نیاز احتیاج دارد، زبان مشترک و مهارت بهره گیری، زبان مشترک امکان استفاده را فراهم می آورد و مهارت بهره گیری، سرعت دستیابی را افزایش می دهد (زارعی و همکاران، ۱۳۸۹). امروزه تقریباً در تمامی حوزه های علوم و از جمله علوم انسانی از امکانات و قابلیت های اینترنت برای انجام فعالیت های علمی، آموزش و پژوهش استفاده می شود. در این میان، نقش تاثیرگذار معلمان بر فرایند یادگیری دانش آموزان بر کسی پوشیده نیست و کارایی و اثربخشی هر نوع آموزشی در مدارس به کیفیت فعالیت های معلم بستگی دارد. شکی نیست که معلمان با کیفیت، محرک یادگیری، پرورش دهنده دانش آموزان و از مؤلفه های مهم تعلیم و تربیت پیشرفته محسوب می شوند. دستیابی نظام آموزش و پرورش هر کشور به معلمان با کیفیت بدون شناسایی نقاط ضعف و قوت، توسعه حرفه ای آن ها و ارائه آموزش های مداوم و متناسب با تغییرات ایجاد شده در فناوری اطلاعات امکان پذیر نمی باشد. عملکرد شغلی معلمان اساساً به ویژگی های آنان هم چون دانش پایه، حس مسئولیت پذیری و ذکاوت؛ به ویژگی های دانش آموزان همچون فرصت یادگیری، کار علمی؛ به عوامل تدریس همچون ساختار درس و ارتباطات؛ به جنبه های یادگیری مانند مشارکت و موفقیت و به آثار کلاسی هم چون محیط و جو، و سازمان و مدیریت بستگی دارد (کاموندسواری^۱، ۲۰۱۳). بنابراین، استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در مدارس، نوآوری در روش های تدریس را در پی داشته و موجب توسعه یادگیری مشارکتی دانش آموزان، تقویت روحیه جستجوگری و پژوهش، کاربردی نمودن آموزش، فراهم نمودن زمینه آموزش و یادگیری مادام العمر می شود (عبادی، ۱۳۸۴). بنابراین، معلمان با بهره

^۱ . Chamundeswari

مندی از سواد پژوهشی، قادر هستند تا تصمیم‌هایی مناسب‌تر در عرصه کلاس درس اتخاذ کنند و به این ترتیب با تسلط بر امور، مدیریتی بهتر بر فرآیند یاددهی-یادگیری، داشته باشند (لوئیز، ۲۰۱۱). هم‌چنین، باید اذعان نمود که جایگاه پژوهش در آموزش و پرورش، بسیار فراتر از حضور صرف در تصمیم‌گیری‌های سطوح کلان اجرایی و اداری است. پژوهش در پیوند عمیق با آموزش و پرورش است و نمی‌توان تنها برای آن، حضوری ساختاری و موردی را در نظر داشت. پژوهش به عنوان مهم‌ترین روش آموزش، در عرصه تدریس و برای پویایی و تعمیق فرآیند یاددهی-یادگیری، حضوری برجسته دارد. از این رو، آموزش و پرورش، پژوهشی ویژه خود را می‌طلبد که محور اساسی آن باید تغییر و تحول در کلاس درس و جریان یاددهی-یادگیری باشد. در این میان، معلمان، نقش اساسی را در این نوع از پژوهش ایفا می‌کنند، چرا که آنان نقش مؤثری در تربیت دانش‌آموزان دارند. بنابراین، آن‌ها باید بیش از پیش برای ایفای نقش‌های دشوار خود، آماده شوند. از این رو، یکی از مسیرهای اصلی برای آماده‌سازی معلمان، آگاهی از نقش، وظایف و رسالت‌های دشوار آن‌ها در حوزه‌های مختلف و در نتیجه تعیین دانش، مهارت‌ها و توانمندی‌های مورد نیاز برای ایفای مؤثر وظایف آنان است که به نظر می‌سد با انجام پژوهش و جستجو در اینترنت و مطالعه پژوهش‌های سایر پژوهشگران محقق شود (ساک، ۱۳۹۲). پژوهش اصغرنژاد (۱۳۹۹) نشان داد رابطه معنی‌داری بین سواد دیجیتال و مولفه‌های آن (سواد دیجیتال، درک تجربیات دیجیتال، یافتن اطلاعات، کاربرد اطلاعات، ابزارها و متعامل آنلاین، مدیریت و ارتباطات اطلاعات و همکاری و اشتراک محتوای دیجیتالی) با عملکرد شغلی معلمان وجود دارد. در پژوهشی دیگر، عجم و یوسفی‌دیگه سرا (۱۳۹۷) نشان دادند رابطه معنی‌داری بین سواد اطلاعاتی معلمان با عملکرد شغلی آنان وجود دارد. پژوهش تقوایی یزدی (۱۳۹۴) نیز نشان داد که بین فن‌آوری اطلاعات با توانمندسازی روان‌شناختی، احساس معنی‌دار بودن، احساس مؤثر بودن، احساس سامان‌دهی و احساس اعتماد مدیران آموزش و پرورش رابطه معنی‌داری وجود دارد. نیک‌پور و همکاران (۱۳۹۱) نیز نشان دادند که بین سواد اطلاعاتی کارکنان و شاخص‌های آن یعنی تشخیص نیاز اطلاعاتی، مکان‌یابی اطلاعاتی، ارزیابی اطلاعاتی، استفاده مؤثر از اطلاعاتی و اثربخشی سازمانی، رابطه معنی‌داری وجود دارد. از همین رو، توسعه پژوهش و پژوهشگری به عنوان روش آموزش و پرورش، نقشی درخور، در کارکردهای اساسی درون کلاس‌های درس ایفا می‌کند. چرا که دانش‌آموزان با تکیه بر فرآیند پژوهش فرصت لازم را برای نیل به یادگیری با معنی‌تر و مادام‌العمر به دست می‌آورند، از سوی دیگر، معلمان نیز به عنوان کارگزاران اصلی نظام آموزشی، با پژوهش، ارتباطی نزدیک دارند. در اصل، بخشی عمده از ترکیب حرفه معلمی را تعامل‌های علمی-پژوهشی و فکورانه معلم تشکیل می‌دهد. معلمان برای حضور مؤثر در عرصه تدریس باید در چندین بعد با پژوهش مرتبط شوند، در بعد اول، معلم به عنوان مدرس پژوهش به دانش‌آموزان، نقش ایفای می‌کند، در این نقش، معلم با سازماندهی مؤثر فرآیند یاددهی-یادگیری، تدریس خود را در جهت تحقق دانش‌آموز فکور و پژوهنده هدایت می‌کند. در بعد دوم، معلم به عنوان یک عنصر حرفه‌ای و فکور، باید یک پژوهشگر باشد تا بتواند در مسیر فرآیند یاددهی-یادگیری، نقش خود را به درستی ایفا کند. معلم به واسطه ویژگی‌های شغل خود نمی‌تواند منبع دانایی و اطلاعات خود را تنها به کوشش‌های دیگران و پژوهشگران خارج از کلاس درس محدود سازد. او به عنوان فردی حرفه‌ای باید بتواند روش‌های خاصی از پژوهش‌های ناظر بر عمل، مانند اقدام پژوهی و درس پژوهی را برای حل مشکلات تدریس بکار گیرد و از نتایج آن‌ها در بهبود تدریس بهره‌گیرد. در سومین بعد از ارتباط خود با پژوهش، به عنوان مصرف‌کننده دستاوردهای پژوهشی دیگران، به آن‌ها مراجعه می‌کند. معلم به عنوان یک کارگزار فکور، دانش خود را در پیوند با دانش دیگران غنی می‌سازد (ساک، ۱۳۹۲). با این حال، امروزه در کشور ما به گمان برخی صاحب‌نظران و کارشناسان، نظام آموزش و پرورش از کاهش کارایی و بهره‌وری و عملکرد ضعیف رنج می‌برد. معیارهای تعریف شده و روشنی برای انتخاب معلمان مدارس وجود ندارد و برنامه‌های توانمندسازی مداوم و نظام‌مند کمتر به چشم

می‌خورد و متعاقب آن فرصت بروز خلاقیت و نوآوری کمی برای معلمان مدارس در زمینه‌های مختلف وجود دارد. از سویی، وجود سازمان‌های مناسب در هر جامعه‌ای که بتوانند با کارآمدی و اثربخشی از عهده وظایف خود برآیند، از مهم ترین وسایل دستیابی به پیشرفت است. چرا که، کارآمدی و اثربخشی در وظایف، عملکرد شغلی مطلوب را خلق می‌کند. بنابراین، مدارس برای نیل به کارآمدی و توانمندی در انجام وظایف و در نهایت بهبود عملکرد شغلی اعضای خود باید بر عواملی متمرکز شوند که موجبات عملکرد شغلی مطلوب را فراهم کنند (حسینی و همکاران، ۱۳۹۹). بنابراین، پس از اعلام وضعیت اضطراری ناشی از ویروس کرونا در اواخر سال ۲۰۱۹ که بسیاری از کشورها برای کنترل آن، دست به اقداماتی از قبیل قرنطینه کامل و یا اجرای فاصله اجتماعی زدند و یکی از اقدامات کشورها از جمله کشور ما ایران در حوزه آموزش، تعطیلی مدارس بوده است، دغدغه تدوین و اجرای برنامه‌های تحصیلی برای تداوم آموزش‌ها در منزل و در شرایط قرنطینه خانگی به بزرگ‌ترین چالش نظام‌های آموزشی تبدیل شد و بحث یادگیری مجازی اهمیت بسیار زیادی پیدا کرد. عوامل متعددی می‌تواند یادگیری مجازی را تحت تأثیر خود قرار دهد که در این مطالعه به نقش سواد اطلاعاتی پرداخته شده است. بی تردید، سواد اطلاعاتی در جهان امروز نقشی بی بدیل در آموزش به عهده دارد و باید بیشترین بهره را از آن برای پیشبرد اهداف آموزشی برد. لذا، این پژوهش در پی یافتن پاسخ این سوال است که آیا رابطه ای بین سواد اطلاعاتی با عملکرد شغلی، آموزشی و پژوهشی معلمان مقطع متوسطه دوم آموزش و پرورش شهرستان محمودآباد در دوران همه‌گیری اپیدمی کووید-۱۹ وجود دارد؟

روش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی؛ از لحاظ ماهیت، توصیفی و به لحاظ روش تحقیق از نوع همبستگی است. جامعه آماری شامل کلیه معلمان مقطع متوسطه دوم آموزش و پرورش شهرستان محمودآباد در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ به تعداد ۴۴۸ نفر (۲۵۴ نفر مرد و ۱۹۴ نفر زن) است که به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای بر حسب جنسیت تعداد ۲۱۰ نفر (۱۲۰ نفر مرد و ۹۰ نفر زن) به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. ابزار اندازه‌گیری پرسشنامه‌هایی به شرح ذیل است:

پرسشنامه سواد اطلاعاتی: سنجش سواد اطلاعاتی معلمان با بهره‌گیری از پرسشنامه سواد اطلاعاتی داورپناه و سیامک (۱۳۸۸) انجام شد. این مقیاس دارای ۸۶ گویه است. نمره‌گذاری این پرسشنامه بر اساس مقیاس اندازه‌گیری فاصله ای و طیف نگرش سنج لیکرت است، به طوری که در پاسخ به هر سوال، هر گزینه امتیازی از ۱ تا ۵ دارد. آزمودنی برای انتخاب گزینه خیلی کم، ۱ امتیاز؛ کم، ۲ امتیاز؛ متوسط، ۳ امتیاز؛ زیاد، ۴ امتیاز و خیلی زیاد، ۵ امتیاز کسب می‌نماید. در پژوهش داورپناه و سیامک (۱۳۸۸)، جهت ارزیابی روایی و پایایی، از تحلیل عاملی تأییدی و ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. تحلیل عاملی تأییدی نشان داد آزمون دارای عوامل و سازه‌های مورد نظر سازندگان آن است، به طوری که این عوامل در مجموع ۶۵/۲۲ درصد از نمرات سواد اطلاعاتی را به خود اختصاص دادند. در حقیقت، نتایج تحلیل عاملی، روایی سازه آزمون را تأیید نمود. هم چنین، به روش همسانی درونی و محاسبه ضریب آلفای کرونباخ، پایایی این مقیاس برابر ۰/۸۳ به دست آمد.

پرسشنامه عملکرد شغلی، آموزشی و پژوهشی: سنجش عملکرد شغلی، آموزشی و پژوهشی معلمان با بهره‌گیری از پرسشنامه محقق‌ساخته انجام شد. این پرسشنامه در قالب ۴۵ گویه، ۳ خرده مقیاس عملکرد شغلی (گویه‌های ۱-۱۵)، عملکرد آموزشی (گویه‌های ۱۶-۳۰) و عملکرد پژوهشی (گویه‌های ۳۱-۴۵) را سنجش می‌کند. هر گویه دارای مقیاس نگرش سنج ۵ درجه‌ای لیکرت است به طوری که برای انتخاب گزینه کاملاً مخالفم، ۱ امتیاز؛ مخالفم، ۲ امتیاز؛ نظری ندارم، ۳ امتیاز؛ موافقم، ۴ امتیاز و کاملاً موافقم ۵ امتیاز کسب می‌شود. بر این اساس، به منظور تعیین روایی صوری و محتوایی، پرسشنامه در اختیار چند تن از صاحب نظران و متخصصان حوزه‌های علوم تربیتی قرار گرفت. پس از دریافت دیدگاه‌ها و انجام اصلاحات لازم، روایی صوری و محتوایی پرسشنامه با نظر متخصصان و صاحب‌نظران تأیید شد. هم چنین، تعداد ۳۰ پرسشنامه در اختیار جمعی از معلمان زن مقطع

متوسطه دوم آموزش و پرورش شهرستان محمودآباد قرار گرفت که با استفاده از روش همسانی درونی و محاسبه ضریب آلفای کرونباخ، پایایی پرسشنامه برابر ۰/۸۹ به دست آمد که بیانگر پایایی پرسشنامه است. در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی از طریق برنامه نرم افزاری SPSS23 و سطح اطمینان ۹۵ درصد ($\alpha=0/05$) استفاده شد. جهت توصیف ویژگی‌های جمعیت شناختی و متغیرها از شاخص‌های آمار توصیفی چون فراوانی، درصد فراوانی، میانگین و انحراف معیار استفاده و جهت تعمیم اطلاعات حاصل از نمونه به جامعه آماری و آزمون فرضیه‌ها از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نخست، آزمون معتبر کولموگروف-اسمیرنوف، جهت تشخیص نرمال بودن متغیرهای پژوهش اجرا و مشخص گردید متغیرها از یک توزیع نرمال تبعیت می‌کنند.

یافته‌ها

جدول ۱، توزیع فراوانی متغیرهای جمعیت‌شناختی نمونه آماری را نشان می‌دهد.

جدول ۱: توزیع فراوانی و درصد فراوانی متغیرهای جمعیت شناختی

متغیرها	شاخص‌ها	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	مرد	۱۲۰	۵۷
	زن	۹۰	۴۳
سن	۳۰ سال و کمتر	۲۷	۱۳
	۳۱ - ۴۰	۷۴	۳۵
	۴۱ - ۵۰	۹۵	۴۵
	۵۱ سال و بیشتر	۱۴	۷
تحصیلات	لیسانس	۱۲۸	۶۱
	فوق لیسانس	۸۲	۳۹
	کمتر از ۱۰ سال	۳۵	۱۷
سابقه کار	۱۱ - ۲۰	۱۰۹	۵۲
	۲۱ سال و بیشتر	۶۶	۳۱

جدول ۱، نشان داد ۵۷ درصد مرد و ۴۳ درصد زن می‌باشند. ۱۳ درصد ۳۰ سال و کمتر، ۳۵ درصد ۳۱ الی ۴۰ سال، ۴۵ درصد ۴۱ الی ۵۰ سال و ۷ درصد دیگر ۵۱ سال و بیشتر سن دارند. ۶۱ درصد لیسانس و ۳۹ درصد فوق لیسانس دارند. ۳۵ درصد کمتر از ۱۰ سال، ۵۲ درصد ۱۱ الی ۲۰ سال و ۳۱ درصد ۲۱ سال و بیشتر سابقه کار دارند. بنابراین، اکثریت مرد (۵۷ درصد)، ۴۱ الی ۵۰ سال (۴۵ درصد)، لیسانس (۶۱ درصد) و ۱۱ الی ۲۰ سال (۵۲ درصد) سابقه کار دارند.

جدول ۲، شاخص‌های میانگین و انحراف استاندارد مربوط به متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۲: شاخص‌های مرکزی و پراکندگی متغیرها

متغیرها	کمینه	بیشینه	میانگین نظری	میانگین نمونه	انحراف استاندارد
سواد اطلاعاتی	۱	۵	۳	۳/۶۷	۰/۶۹
عملکرد شغلی	۱	۵	۳	۳/۸۲	۰/۵۴
عملکرد آموزشی	۱	۵	۳	۳/۹۴	۰/۴۳
عملکرد پژوهشی	۱	۵	۳	۳/۷۷	۰/۶۱

جدول ۲، نشان داد میانگین متغیرهای سواد اطلاعاتی، عملکرد شغلی، عملکرد آموزشی و عملکرد پژوهشی به ترتیب برابر ۳/۶۷، ۳/۸۲، ۳/۹۴ و ۳/۷۷ است که بیشتر از متوسط (میانگین نظری یا نقطه برش: ۳) می باشد.

جدول ۳، میزان و جهت رابطه بین سواد اطلاعاتی با عملکرد شغلی، آموزشی و پژوهشی معلمان را نشان می دهد.

جدول ۳: بررسی رابطه بین سواد اطلاعاتی با عملکرد شغلی، آموزشی و پژوهشی معلمان

پیش بین	ملاک	شاخص های آماری		
		تعداد	r	سطح معناداری
سواد اطلاعاتی	عملکرد شغلی	۲۱۰	۰/۷۲	۰/۰۰۰
	عملکرد آموزشی	۲۱۰	۰/۷۹	۰/۰۰۰
	عملکرد پژوهشی	۲۱۰	۰/۷۸	۰/۰۰۰

جدول ۳ نشان داد در سطح اطمینان ۹۵ درصد ($\alpha=0/05$)، داده ها فرضیه صفر (H_0) را رد و فرضیه پژوهش (H_1) مبنی بر وجود رابطه معنی دار را تایید می نمایند، یعنی، می توان ادعا نمود رابطه مثبت معنی داری بین سواد اطلاعاتی با عملکرد شغلی، آموزشی و پژوهشی معلمان وجود دارد، چرا که مقدار سطح معناداری (Sig.) از مقدار $\alpha = 0/05$ ، کوچک تر است.

بحث و نتیجه گیری

یافته های حاصل از پژوهش حاضر حاکی از آن است که رابطه مثبت معنی دار بین سواد اطلاعاتی با عملکرد شغلی، آموزشی و پژوهشی معلمان مقطع متوسطه دوم آموزش و پرورش شهرستان محمودآباد در دوران همه گیری اپیدمی کووید-۱۹ وجود دارد. این یافته با نتایج پژوهش های اصغرنژاد (۱۳۹۹)، عجم و یوسفی دیگه سرا (۱۳۹۷)، تقوایی یزدی (۱۳۹۴) و نیک پور و همکاران (۱۳۹۱) همسو می باشد. در تبیین نتیجه به دست آمده می توان اذعان داشت که امروزه نقش تاثیرگذار معلمان بر فرایند یادگیری دانش آموزان بر کسی پوشیده نیست و کارایی و اثربخشی هر نوع آموزشی در مدارس به کیفیت فعالیت های معلم بستگی دارد. شکی وجود ندارد که معلمان باکیفیت محرک یادگیری، پرورش دهنده دانش آموزان و از مولفه های مهم تعلیم و تربیت پیشرفته محسوب می شوند و دستیابی نظام تعلیم و تربیت هر کشور به معلمان باکیفیت بدون شناسایی نقاط ضعف و قوت، توسعه حرفه ای آن ها و ارائه آموزش های مداوم و متناسب با تغییرات ایجاد شده در فناوری اطلاعات، امکان پذیر نمی باشد. از همین رو، هنگامی که معلمان از مهارت های سواد اطلاعاتی بهره مند باشند، بالطبع شایستگی های مرتبط با محیط کار رشد می کنند و زمینه برای تدریس موفق تر و اثربخش تر آماده می شود. به ویژه با شیوع و همه گیری ویروس کووید-۱۹، بحث استفاده گسترده تر از شبکه های اجتماعی برخط، مدارس دیجیتال و یادگیری الکترونیکی و یادگیری سیار در کشور مطرح شده و مسئولان و دست اندرکاران این حوزه به اهمیت سواد دیجیتالی (اطلاعاتی) و شایستگی هایی که به بهبود فرآیند تدریس کمک می کند، پی برده اند. از سویی، در جهان امروز افراد باید مهارت های خود را به سرعت روزآمد کنند و برای تغییرات مثبت آماده باشند. هنگامی که معلمان از مهارت های سواد اطلاعاتی بهره مند باشند، این امکان برای آنان فراهم است تا با زمان کمتر و بهره وری بیشتر، مطالب را به دانش آموزان آموزش دهند و فرصت های پژوهشی بیشتری را برای آنان و خودشان فراهم سازند. همان گونه که امروزه مدارس بیشتر کشورهای جهان با استفاده از فناوری های نوین دیجیتالی اداره می شوند که منجر به عملکرد بهتر دانش آموزان و تقویت تدریس معلمان شده است. از آن جایی که هر پژوهشی با محدودیت هایی مواجه می باشد، این پژوهش نیز از این امر مستثنی نبوده است، محدود بودن اجرای پژوهش به معلمان مقطع متوسطه دوم شهرستان محمودآباد در استان مازندران و همزمانی با شیوع همه گیری اپیدمی کووید-۱۹، از جمله مهم ترین محدودیت های قابل اشاره است که لازم است در تعمیم نتایج به سایر جوامع، نهایت دقت و احتیاط به عمل آید. با توجه به این که مشخص شد رابطه مثبت معنی داری بین سواد اطلاعاتی با عملکرد شغلی، آموزشی و پژوهشی معلمان وجود دارد. از این رو، پیشنهاد می گردد که در پژوهش های آتی به شناسایی شایستگی های کانونی

تخصصی معلمان و میزان دستیابی به آن‌ها در مدارس پرداخته شود. چرا که به نظر می‌رسد، هر اندازه سواد اطلاعاتی و شایستگی‌های کانونی معلمان همسو و در یک راستا برای بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان باشد، عملکرد شغلی معلمان نیز بهبود می‌یابد. توصیه می‌شود اداره آموزش و پرورش، سواد اطلاعاتی معلمان را از طریق آموزش‌های ضمن خدمت (خصوصاً از طریق آنلاین و شبکه‌های اجتماعی مجازی) و فرصت‌های مطالعاتی ارتقاء دهد. معلمان نیز باید به سازوکارهایی که شایستگی‌های حرفه‌ای، آموزشی و پژوهشی آنان نظیر سواد اطلاعاتی و رسانه‌ای، سواد پژوهشی، تعهد و اخلاق حرفه‌ای، مدیریت، آینده‌نگری، کار گروهی، تفکر انتقادی، حل مسأله، مدیریت دانش و مهارت ارتباطی را افزایش می‌دهد، توجه بیشتری داشته تا از این طریق عملکرد، کارایی و اثربخشی و در نتیجه بهره‌وری خویش را بهبود و توسعه بخشند.

منابع

- اصغرنژاد، نجف. (۱۳۹۹). بررسی رابطه سواد دیجیتالی با عملکرد شغلی معلمان. *سمینار ملی رویکردهای نوین آموزش و پژوهش در انقلاب صنعتی چهارم*، اهواز، دانشگاه شهید چمران اهواز، سازمان صنعت، معدن و تجارت خوزستان.
- پریخ، مه‌ری. (۱۳۹۲). *آموزش سواد اطلاعاتی: مفاهیم، روش‌ها و برنامه‌ها*. تهران: نشر کتابدار.
- تقوایی یزدی، مریم. (۱۳۹۴). رابطه فن آوری اطلاعات و توانمندسازی روان شناختی مدیران آموزش و پرورش منطقه یک ساری. *فصلنامه فناوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی*، ۵(۴)، ۹۷-۱۱۵.
- حسینی، سیداحمد؛ مهدیون، روح اله و قاسم‌زاده علیشاهی، ابوالفضل. (۱۳۹۹). نقش سواد دیجیتالی و شایستگی‌های کانونی معلمان بر عملکرد شغلی آنان. *فصلنامه علوم و فنون مدیریت اطلاعات*، ۶(۲)، ۱۷-۴۲.
- خالقی، نرگس و سیامک، مرضیه. (۱۳۸۹). *آموزش مهارت‌های سواد اطلاعاتی*. قم: انتشارات دانشگاه قم.
- داورپناه، محمدرضا و سیامک، مرضیه. (۱۳۸۸). ساخت و اعتباریابی پرسشنامه سنجش سواد اطلاعاتی پایه و واقعی دانشجویان. *فصلنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۱۲(۱)، ۱۱۹-۱۴۶.
- رضایی، علی اکبر. (۱۳۹۳). *نقش سواد اطلاعاتی و فن آوری اطلاعات در توسعه سازمانی*. تهران: نشر فرهنگ و تمدن.
- زارعی، جواد؛ رخ افروز، داریوش و دیانت، مهین. (۱۳۸۹). بررسی سواد رایانه‌ای دانشجویان دوره دکتری عمومی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز سال تحصیلی ۸۹-۸۸. *فصلنامه مدیریت سلامت*، ۱۵(۴۷)، ۶۷-۷۶.
- ساک، رضا. (۱۳۹۲). دانش معلمان درباره پژوهش و نیاز آنان به آموزش پژوهش. *فصلنامه پژوهش‌های آموزش و یادگیری (دانشور رفتار)*، ۲۰(۳)، ۱۱۹-۱۳۲.
- طیب‌نیا، ویدا. (۱۳۸۷). *بررسی سواد اطلاعاتی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشکده اقتصاد علامه طباطبایی*. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
- عبادی، رحیم. (۱۳۸۴). *فناوری اطلاعات و آموزش و پرورش*. تهران: نشر موسسه توسعه فناوری آموزشی مدارس هوشمند.
- عجم، علی‌اکبر و یوسفی دیگه‌سرا، ارسلان. (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین سواد اطلاعاتی معلمان با عملکرد شغلی آنان با تاکید بر استفاده مناسب دانش‌آموزان از فضای مجازی (نمونه موردی: معلمان مقطع ابتدایی شهرستان چابهار). *دوازدهمین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی و علوم اجتماعی*، کرج، شرکت همایشگران مهر اشراق.
- منتظر، غلامعلی؛ نصیری صالح، فرزین و فتحیان، محمد. (۱۳۸۶). طراحی مدل توسعه‌ی سواد اطلاعاتی در ایران. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۴(۴)، ۱۰۹-۱۳۱.

منصوریان، یزدان. (۱۳۸۷). سواد اطلاعاتی و سطوح پنج گانه آن. ماهنامه کتاب ماه (کلیات اطلاعات، ارتباطات و روان شناسی)، (۱۲۸)، ۴-۷.

نیک پور، امین؛ منظری توکلی، علیرضا و رجائی نژاد، مهدی. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین سواد اطلاعاتی کارکنان و اثربخشی سازمانی در سازمان های دولتی شهر کرمان. فصل نامه فرآیند مدیریت و توسعه، ۲۵(۳)، ۱۴۵-۱۶۱.

Chamundeswari, S. (2013). Job Satisfaction and Performance of School Teacher. *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*, 3(5), 420-426.

Lewis, C. (2011). *Lesson Study Step by Step: How Teacher Learning Communities Improve Instruction*. Melbourne: Heinemann.